

ورنی جلوه‌ای زیبا از فرهنگ و تمدن ایران زمین

حسن علیزاده پروین

مقدمه

در دوره‌ای که مدیر بخش تحقیقات صدا و سیما مرکز آذربایجان شرقی بودم در فرصتهای پیش‌آمده ویژگیهای فرهنگی و اجتماعی استان را بررسی می‌کردم. حاصل بررسیهای انجام شده، چندین گزارش، کتاب، یادداشتهای متعدد و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی است که امروز در دوره بازنشستگی فرصت بازنگری، تنظیم و تدوین و تکمیل آنها فراهم آمده است.

یکی از موضوعاتی که با علاقه، بررسی آن را پی گرفته‌ام صنایع دستی آذربایجان شرقی است. تهیه فیلم ورنی، فیلم پنج قسمتی «دستها و نقشها»، سرامیک، دستبافتهای عشایری و ... حاصل همین تلاش، البته در بضاعت و وسع محدود خودم بوده است.

مسئولیت برنامه ائل سون (ویژه عشایر استان) و تهیه سه فیلم مستند درباره عشایر موجب شد که دوازده سال به منطقه بیلاقی و قشلاقی کوچ‌نشینان سفر کنم و درعین حال، یافته‌ها و مشاهدات خود را یادداشت نمایم.

مقاله پیش رو، از یادداشتهای و تحقیقات آن دوره خاطره‌انگیز و همچنین با استفاده از برخی منابع چاپ شده تدوین گردید و این فرصت را، فراخوانی نخستین همایش ملی «جلوه‌های



فرهنگی و تمدن ایران زمین در آیینۀ استانهای کشور» پیش آورد که لازم است از این اقدام و از انتخاب این موضوع زیبا و دل‌انگیز، صمیمانه قدردانی شود.

آذربایجان مهد جلوه‌های فرهنگی و تمدن ایران زمین است و ورنی، که موضوع مقاله حاضر است، نمونه‌ای از همان جلوه‌های زیباست؛ تا چه قبول افتد.

کلیات مربوط به شیوۀ نگارش مقاله

کار علمی لازم است در چارچوبی علمی و سیستماتیک انجام شود. این امر مستلزم طرح مسئله، تبیین هدف، تدوین دقیق سؤال تحقیق و فرضیه‌ها و انتخاب روش مناسب گردآوری اطلاعات و تحلیل داده‌هاست.

نگاهی به دستبافت ورنی نشان می‌دهد که این هنر ظریف، که منحصرأ در آذربایجان تولید می‌شود، هم از نظر اقتصادی و هم از نظر هنری اهمیتی فوق‌العاده دارد طوری که از یک گوشۀ دورافتادۀ کشور به اقصی نقاط گیتی راه یافته است. بنابراین با هدف شناسایی این هنر ظریف بومی آذربایجان و تدوین مقاله برای همایش، سؤالات ذیل برای بررسی طرح شد:

- ورنی چیست و چه کسانی و در کدام موقعیت جغرافیایی آن را تولید می‌کنند؟

- مختصات فنی دار ورنی و شیوۀ بافت آن چگونه است؟

- اصول چله‌کشی و روش بافت ورنی کدام است؟

- نقش و نگار در ورنی چه جلوه‌هایی دارد؟

- مواد اولیه ورنی چیست و چگونه رنگرزی می‌شود؟

- چه عوارضی در کیفیت بافت ورنی تأثیر گذارند؟

- این جلوه فرهنگ و تمدن ایران زمین با چه مسائلی روبه‌روست؟

برای دستیابی به سؤالات فوق از روشهای ذیل سود جستیم:

۱- روش کتابخانه‌ای، فیش‌نویسی از منابع متعدد که در متن مقاله و بخش پایانی معرفی شده‌اند.

۲- روش مصاحبه، که با مراجعه با کارشناسان سازمان صنایع دستی استان، کارشناسان سازمان امور عشایر مدیریت و برنامه‌ریزی استان و کارگزاران دادوستد تحقق یافته است.



۳- روش مشاهده، که در سفر به مناطق عشایرنشین ارسباران و قشلاقهای متعدد ممکن شد. آنچه در این مقاله آمد قطعاً تمام اطلاعات جمع‌آوری شده نیست. ظرفیت محدود صفحات مقاله مانع استفاده از اطلاعات گردآوری شده گردید. تلخیص اطلاعات گاه به کیفیت و ریتم و محتوای مقاله لطمه می‌زند ولی چاره‌ای نیست، باید حتی‌المقدور حق مطلب ادا شود. امیدوارم فرصت نشر مشروح تحقیق انجام شده فراهم شود.

صنایع دستی چیست؟

صنایع دستی چه در بیان عادی و چه در اصطلاح فنی مفاهیم متعددی دارد، به این معنا که با توجه به هدف طرح موضوع ممکن است به دست‌ساز بودن محصول دستی، هنری بودن و موقعیت جغرافیایی تولید، مانند صنایع روستایی یا عشایری و ... اطلاق شود که تمام یا قسمت اعظم مراحل آن با دست انجام گرفته، مواد اولیه، ابزار کار و نیروی انسانی آن از داخل تأمین گردد و از بینش فکری، فلسفی و ذوق و هنر افراد ساکن در هر منطقه و نیز فرهنگ و فولکلور آن برخوردار باشد.^۱

با این تعریف، صنایع دستی ویژگیهایی به شرح ذیل داراست:

- دست انسان در تولید آن نقش اساسی دارد؛
 - نیازمند ماشین‌آلات و متخصص خارجی نیست؛
 - مواد اولیه و نیروی انسانی آن به راحتی و به‌وفور از داخل کشور و در منطقه فعالیت تأمین می‌شود؛
 - بازتاب ذوق و سلیقه افراد است لذا عدم تشابه از ویژگیهای بارز آن است؛
 - بازتاب تاریخ، تمدن، فولکلور و فرهنگ مردم است.
- صنایع دستی عشایری موضوع مورد بررسی ما، که به این جامعه مربوط می‌شود علاوه بر ویژگیهای فوق مختصاتی بدین شرح دارد:



- ۱- عشایر به لحاظ کوچ‌نشینی و جابه‌جایی از ابزار سبک استفاده می‌کنند. بنابراین، آنان به صنایعی روی آورده‌اند که ابزار آن به سهولت قابل حمل است. در کاروان کوچ همواره یکی از شترها ابزار بافت گلیم، جاجیم و ورنی را حمل و این منظره از دور نظر هر بیننده را جلب می‌کند.
- ۲- عشایر در تولید دستبافته‌ها از مواد اولیه‌ای استفاده می‌کنند که خود تولید می‌کنند و برای مواد اولیه هزینه نمی‌پردازند. در این جامعه، پشم از تولیدات عمده است بنابراین به صنایعی روی آورده‌اند که از پشم استفاده شود.
- ۳- عشایر در طول دهه‌های گذشته به لحاظ خصیصه خودکفایی برای مصرف خود اصولاً اغلب مایحتاج زندگی خود را خود تولید می‌کردند. از چند دهه پیش، علاوه بر نیازهای داخلی برای فروش مازاد بر نیاز عرضه می‌شود. ورنی از جمله صنایعی است که به لحاظ اهمیت هنری آن به بازارهای بین‌المللی نیز راه یافته است.
- ۴- زنان و دختران عشایر به لحاظ موقعیت و بافت اجتماعی فرصت تولید دستبافته‌های متعدد دارند ورنی را در این جامعه، زنان می‌بافند. آنان هنگامی که از کار خانه، شیردوشی گوسفندان فارغ شدند و چوپانها به صحرا رفتند، پشت هانا، می‌نشینند و با مهارت خاص به خلق نقش و نگارهای هنرمندانه مشغول می‌شوند.

نقش زنان عشایری در تولید صنایع دستی

عشایر آذربایجان شرقی، که به شیوه کوچ‌نشینی و از راه پرورش دام زندگی می‌کنند، از دو ایل ارسباران و ائل‌سون‌ها هستند. قلمرو بیلاق و قشلاق ایل ارسباران داخل استان است ولی طایفه‌هایی از ائل‌سون‌ها پس از جدا شدن اردبیل از استان آذربایجان شرقی، در بخشهایی از استان بیلاق می‌کنند. گفته می‌شود عشایر استان آذربایجان شرقی بیش از یک میلیون دام در اختیار دارند و جمعیت آنها را حدود صد هزار نفر برآورد می‌کنند.

در جامعه عشایری استان آذربایجان شرقی زنان فعالیت اقتصادی خود را از سن ۹-۶ سالگی آغاز می‌کنند. آنان از همین دوران کودکی همه مهارت‌های لازم زندگی را می‌آموزند تا نقش اقتصادی خود را به خوبی ایفا نمایند. چرا که در انتخاب زن، نگرش اقتصادی نیز وجود دارد. به



زنی که هنر قالببافی، گلیم‌بافی و دیگر صنایع دستی را بلد نباشد کمتر توجه می‌شود در این جامعه گفته می‌شود:

ائوی هانا مالی دانا آرتیراز= در خانه با تولید دستبافت و در پرورش دام به مکتب و مال می‌افزاید.

زن در جامعه عشایری از پگاه تا شامگاه آنی آرام نیست. بلکه مدام در تکاپوست. گلیم و جاجیم می‌بافد، از شیر خامه می‌کشد؛ پشم می‌ریسد و برای حلاجی آماده می‌کند. سجیم (Sejim)، ارگن (Orkan)، افسار و جهاز شتر، قوتاز (Gootaz) و ورنی می‌بافد؛ به کودکان می‌رسد؛ کارهای مربوط به چوپان را انجام می‌دهد؛ نان می‌پزد و فراورده‌های لبنی برای مصرف خانواده تهیه می‌کند.

زایمان زنان در میان عشایر طبق فرهنگ و عرف محلی بر سر اجاق خاموش و خاکسترآلود انجام می‌شود تا با تولد پسر اجاق خاموش روشن شود. پسر ادامه‌دهنده راه پدر است و نگهبان اوبه (Obeh) پدری و عصای دست بازماندگان و به همین دلیل، شادمانی برای نوزاد پسر دوچندان است. زن عشایر در ردیف زنان کارآفرین است. زندگی آنان نمایشی است راستین از دشواریها و کشمکش و آینه‌ای است از جدال با طبیعت سخت، به‌همین دلیل، زنان عشایر آذربایجان از سختیها به سنگ خارا شبیه‌اند؛ از نیرومندی به شیر ماده و در وفاداری نمونه‌اش خودشان هستند.

اینک در این مقاله، ورنی دستبافت کم‌نظیری که زن عشایر استان آن را هنرمندانه و هوشمندانه به جامعه همدوست جهان عرضه کرده است، بررسی می‌کنیم.

ورنی^۳ چیست؟

ورنی گلیمی فرش‌نماست که بدون نقشه و به‌شکل ذهنی، زنان و دختران عشایر دشت مغان و ارسباران آن را می‌بافند. ورنی عمدتاً در نقاط قشلاقی تولید می‌شود و نقوشی که بر روی این گلیم فرش‌نما نقش می‌بندد نشان‌دهنده محیط زیست و انعکاس آن در اذهان زنان و دختران عشایر آذربایجان است.^۴

ورنی یا سوماک (Sumak) از هنرهای سنتی و دیرینه عشایری آذربایجان شرقی است. این دستبافت از انواع فرش و از نظر بافت در حد وسط فرش و گلیم است. داربست ورنی، افقی و معمولاً ابعاد آن $2 \times 1/5$ متر است در ورنی هر رشته به تار و پود گره می‌خورد اما همچون قالی هر گره قیچی نمی‌شود. ورنی با زمینه مسی و فیروزه‌ای جذابیت بیشتری دارد. شهرستان اهر پایگاه اصلی خرید و فروش ورنی این شهرستان و در واقع بندر صادراتی آن در آذربایجان شرقی است. ورنی از نظر رنگ بسیار متنوع و اساساً رنگهای شاد در نقشها بیشتر نفوذ دارد.^۵

مهم‌ترین بافت عشایر آذربایجان گلیمهای سوزن‌دوزی شده و ظریف معروف به «سوماک» است که به زبان محلی آن را «ورنی» می‌نامند. طرحهای پیچیده، آنها را با دستگاههای روی زمین یا افقی معمولاً به صورت تکه‌های دراز و باریک به طول سه متر می‌بافند. سطح آنها را با نقشهای پیچیده سوزن‌دوزی می‌کنند. یکی از طرحهای معمول و معروف «کشتی نوح» نام دارد که معمولاً سه لوزی به شکل یک کشتی است که درختی در وسط آن و پرندگان و جانوران و خزندگان در دو عرض ورنی دیده می‌شود.^۶

ورنی دستبافی است که زنان عشایر آذربایجان شرقی آن را هنرمندانه و با ظرافت کم‌نظیر می‌بافند. ورنی را گلیم فرش‌نما گفته‌اند این هنر دستباف به لحاظ ویژگی نقش و نگارها، شکل بافت و رنگ‌آمیزی از اوبه (Obeh) عشایری به بازارهای جهانی راه یافته است. ورنی گلیمی فرش‌نماست.

با توجه به تعاریف مذکور می‌توان گفت:

- ورنی گلیمهای سوزن‌دوزی شده است که به «سوماک» معروف است؛
- ورنی را عمدتاً زنان و دختران در قشلاقهای عشایر می‌بافند؛
- ورنی از هنرهای دیرینه و سنتی آذربایجان است؛
- ورنی فاقد نقشه است و نقشه‌ها زاینده ذهن و خلاقیت زنان و دختران عشایر است؛
- جلوه‌های طبیعت و تصاویر پرندگان، خزندگان و جانوران از عمده‌ترین نقشهای ورنی است که با مهارت خاصی بافته می‌شود؛
- در ورنی هر رشته به تار و پود گره می‌خورد اما همچون قالی هرگز قیچی نمی‌شود.



دار ورنی

دار ورنی عبارت است از چارچوبی مربع و مستطیل شکل که نقش ستون را در تولید ورنی ایفا می‌کند که اجزای اصلی آن عبارت است از سردار، زیردار، راست‌رو، چپ‌رو، ستونهای وسط، پیچ هاس سفت کن، کوچی. اندازه یا ارتفاع دار ورنی مساوی است با نصف طول ورنی به اضافه سی سانتی‌متر. سایر اجزای دار ورنی عبارت‌اند از: چوب هاف، نیمکت با تخته‌بند، چوب رنگ (قناره) شمعدان، گاوّه یا گوه برای سفت کردن.^۷

دار مورد استفاده در بافت ورنی به‌صورت عمودی یا افقی است. در اکثر مناطق از دار عمودی استفاده می‌شود و دار افقی در میان عشایر کوچ‌رو متداول است. دار افقی قدیمی‌ترین دستگاه ورنی‌بافی است. بافت ورنی در دارهای افقی و بر روی زمین انجام می‌گیرد. بافنده در طول مدت بافت به روی کار خم می‌شود. این امر عوارضی از جمله کمردرد و پادرد برای خانمها به بار می‌آورد. بدین دلیل، توصیه شده از دارهای عمودی استفاده شود چرا که بافنده روی این نوع دارها ثابت و دار ورنی گردان است.

چله‌کشی، اصول و روش و نوع آن

پس از استقرار، مرحله چله‌کشی است. چله یا ارش (نام محلی) ستون اساسی هر ورنی را تشکیل می‌دهد و این چله است که با پیچیده شدن پرز گره به دور آن زیبایی خاصی به ورنی می‌بخشد. نخ چله (ارش) را به تناسب رج‌شمار ورنی و به‌مقدار مورد نیاز تهیه می‌کنند. پس از آماده ساختن چله، استادکار به روش ذیل کار چله‌کشی را شروع می‌نماید:

ابتدا سرنخ چله را گره می‌زند تا اولین تار چله بعد از رد شدن از نخهای هاف^۸ در زیر نورد پایین محکم شود. در این صورت، دیگر نیازی نخواهد بود که در موقع پایین‌کشی ورنی تار اول چله را ببرند. هر گره ورنی از دو تار تشکیل شده که یکی از آنها، تار زیر و دیگر تار رو است ولی بعضی از بافندگان گره را به‌جای دو تار به یک تار می‌زنند. این نوع ورنیها از لحاظ کیفیت بهتر هستند ولی درمقابل، سرعت کار کم و مصرف مواد اولیه زیاد است.



برای سهولت چله‌کشی و رعایت فاصله تارهای چله، نورد پایین و بالا را به اندازه‌های ۷ و ۷/۲ سانتی‌متر تقسیم و رج‌شمار ورنی یا تراکم تارهای ورنی را در این فاصله براساس تعداد تارهای کشیده شده محاسبه می‌کنند پس از چله‌کشی، بافنده ابتدا گلیم‌بافی می‌کند. گلیم‌بافی در ابتدا و انتهای ورنی از ریزش گره‌ها و در رفتن پودها جلوگیری می‌کند و باعث افزایش عمر ورنی و استحکام آن می‌شود.^۹

روش بافت ورنی

روش نشستن بر پشت دار ورنی شبیه دار قالی است و به‌جای کلاف کردن نخهای ابریشمی و پشمی، آنها را در اندازه‌های چهل سانتی‌متر بریده و به‌صورت بسته‌هایی که به‌نام محلی آسما^{۱۰} (آویزان) معروف است درآورده و از بالای دار آویزان می‌کنند.

در شروع، بافنده تار زیری و رویی را برمی‌دارد و با نخ بافت یک دور کامل به دور آنها می‌بندد و مطابق نقشه قالی به بافت ادامه می‌دهد یا اینکه نخها را رها می‌کند و رنگ دیگری را برمی‌دارد و به بافت ادامه می‌دهد تا یک ردیف کامل بافته شود. بعد از بافت یک ردیف، نوبت به پودگذاری می‌رسد. پود را طوری از لابه‌لای چله‌ها رد می‌کنند که نه از پشت و نه از روی آن دیده شود و دقیقاً از میان تارهای رویی و زیری رد می‌کنند. در این مرحله، نوبت به دفته‌زنی می‌رسد. استادکار این کار را با دقت انجام می‌دهد تا گره‌ها روی هم بخوابند و ورنی به یک اثر هنری ارزشمند تبدیل شود. در این صورت نقوش کاملاً خودنمایی می‌کنند. دفته‌زنی نامناسب از ارزش هنری ورنی می‌کاهد.^{۱۱}

نقش و نگار در ورنی

آثار هنری ایران همواره با نقش و نگارهای گوناگون تزئین شده‌اند. کارشناسان و محققان، با بررسی علمی نقش و نگارها و تحلیل رموز و علائم آنها به شناسایی خصوصیات اجتماعی دوره‌های تاریخی و روحیات و تفکرات پدیدآورندگان آنها پی می‌برند. نقش و نگارهای عامیانه ایران در ظروف خوراک‌پزی، فرش و دیگر دستبافتها، ابزار کار و معیشت وسیله‌ها و علائم

عزاداری و مرگ و غیره وجود دارند که مردم در بخشی از زندگی روزمره خود با آنها سروکار داشته‌اند. این نقش و نگارها را عموماً مردم عامی پدید آورده‌اند بدین معنی که نقش و نگارها حاصل ذوق، اعتقاد و بینش مردمانی است که نه کتاب خوانده‌اند و نه مدرسه دیده‌اند. آنان نقش و نگارها را برای فریبندگی و لذت چشم نساخته‌اند. در ماورای شکل‌های مشهود، مضامین و معانی‌ای نهفته‌اند که امروز مهارت و درایت خاص برای تحلیل و تفسیر آنها به‌کار می‌رود و روزبه‌روز بر اهمیت آنها افزوده می‌شود. صور فلکی، راز هستی، اتفاقات مذهبی، حوادث عشقی، اشتغالات زندگی، دلبستگی‌های روزمره، زیباییها و رموز طبیعت، آرزوهای انسانی، صفات مدنی از جمله صداقت و پاکیزگی و ... از جمله نقش و نگارهایی است که در آثار هنری باقی مانده، مشاهده می‌شود. بررسی این نقش و نگارهای عامیانه می‌تواند کلیدی باشد برای گشایش رموز و استعارات و کنایات که در هنر و ادبیات ایران فراوان است.^{۱۲}

نقوشی که در ورنی به‌کار می‌روند دو نوع هستند: ۱- نقوش شکسته، ۲- نقوش گردان یا منحنی. نقوش شکسته، ترکیبی هستند از خطوط افقی، عمودی و مورب که به‌صورت اشکال هندسی مشاهده می‌شود. به‌علت سادگی این نقوش که به‌صورت ذهنی به روی ورنی پیاده می‌شوند اکثر ورنی‌باغان از آنها استفاده می‌کنند و ورنی را به‌صورت ذهنی تولید می‌نمایند که یکی از دلایل زیبایی ورنی نیز همین امر است.

در نقوش گردان، از خطوط منحنی استفاده می‌شود. عموماً نقوش با چرخش دایره‌وار بخش‌های مختلف ورنی را پر می‌نمایند. از عمده‌ترین نقوش گردان می‌توان به اسلیمیها و وختایی‌ها اشاره کرد. با توجه به پیچیدگی این نقوش، بافت آنها بدون نقشه مشکل است و به‌همین دلیل از نقوش گردان بسیار کم استفاده می‌شود.

چند نمونه از نقوش ورنی^{۱۳}

- ۱- گل (استخر آب یا مرداب به‌جهت ذخیره آب برای گوسفندان)؛
- ۲- خانه (اشکال هندسی از چوب خانه، باغ و ...)
- ۳- گل هریس (طرح گل نقشه هریس)؛



- ۴- گل شاملو (به نام منطقه‌ای عشایرنشین در کلیبر)؛
 - ۵- گل اولی قشلاق (به نام منطقه‌ای عشایرنشین در کلیبر)؛
 - ۶- قوشاگل (دو استخر)؛
 - ۷- آچیق گل (استخر بدون حصار)؛
 - ۸- قایق؛
 - ۹- چهارخانه (مخصوص نجف تراکمه، منطقه عشایرنشین در کلیبر)؛
 - ۱۰- جفت ببر؛
 - ۱۱- حلقه قیناق؛
 - ۱۲- عصای حضرت موسی؛
 - ۱۳- ته گل شاملو؛
 - ۱۴- طرح کناره؛
 - ۱۵- نیم قیناق؛
- حیواناتی که در قالب طرحها و نقوش در ورنی بافته می‌شود عبارت‌اند از: گوزن، آهو، گرگ، سگ گله، بوقلمون، مرغ و خروس، گربه، مار، عقاب، گوسفند، قوچ، شتر، شیر، روباه، شغال، طاووس، پرندگان محلی و
- نقشه‌های دیگر که در منطقه عشایرنشین دشت مغان بافته می‌شود عبارت‌اند از: سه ترنج، تک ترنج، چهار ترنج، پنج ترنج، SS (از جمهوری آذربایجان)، برجید، کاظم عشاق و رومیزی یا زیر تلفنی (که به تازگی مرسوم شده است).
- از برخی ورنیها نمونه‌وار تصاویری تهیه شده است که در صفحات بعد ملاحظه می‌کنید.^{۱۴}



اندازه: زرچرک
نقشه: تک ترنج
رنگ: سرمه‌ای، غیرقابل تغییر
محل بافت: مغان، عشایر



اندازه: قالیچه
نقشه: SS (آذربایجان)
رنگ: پیازی روشن
حاشیه: نقشه مغان
بافت: عشایر دشت مغان



اندازه: پستی
نقشه: محرّمات
رنگ: الوان
بافت: عشایر دشت مغان



اندازه: خرهک
نقشه: برجید (جمهوری آذربایجان)
رنگ: شتری
حاشیه: نقشه مغان
بافت: عشایر مغان



اندازه: زرچرک
نقشه حاشیه: قره داغ
نقشه: سه ترنج
بافت: ارسباران
رنگ: شتری روشن



اندازه: فالیچه بزرگ
نقشه: کاظم عشاق
رنگ: آبی نفتی
حاشیه بزرگ: نقشه مغان
حاشیه کوچک: محرمات
بافت: عشایر دشت مغان



اندازه: فالچه
رنگ: پیازی روشن
نقشه: سه ترنج مغان
بافت: عشایر دشت مغان
حاشیه بزرگ: SS
حاشیه کوچک: محرمات

مواد اولیهٔ ورنی

ورنی که حاصل تلاش مجموعه‌ای فنی و هنری است از موادی تشکیل می‌شود که عمده‌ترین آنها پشم، ابریشم و پنبه است. پشم، مادهٔ اولیهٔ عمده در تولید ورنی محسوب می‌شود. اساساً فلسفهٔ وجودی ورنی در آذربایجان با وفور تولید پشم در این استان ارتباط مستقیم دارد. پشم مرغوب برای تولید ورنی با کیفیت بالا باید دارای ویژگیهای ذیل باشد:

- قطر پشم نازک باشد؛
- طول الیاف پشم بیشتر باشد؛
- پشم باید زنده و دباغی شده باشد؛
- شفاف باشد؛



- شسته شده باشد؛

- نرم بوده و شکننده نباشد؛

- ناخالصی پشم کم باشد.

در صورت رعایت نکات فوق در تهیه پشم برای بافت ورنی، تولید مرغوب شده و در بازارهای بین‌المللی با استقبال فراوان روبه‌رو خواهد شد. پنبه در چله یا تار همچنین در پود نازک و پود کلفت در ورنی کلفت‌بافی کاربرد دارد. ابریشم در بافت و همچنین از ابریشم چله برای گره‌زنی استفاده می‌شود. ولی ورنیهایی که در بافت آنها از ابریشم استفاده می‌شود مرغوب‌تر هستند.

رنگرزی پشم ورنی

عشایر پیش از آنکه پشم را به رنگ موردنظر درآورند آن را می‌شویند. در برخی از طایفه‌ها دیده شده است که گوسفندان را قبل از چیدن پشم می‌شویند. کلاف پشم را پیش از رنگرزی نیز دوباره در آب گرم می‌شویند و برای از میان بردن چربی آن مقداری پتاس بدان می‌افزایند.

پس از شستشو، آن را به مدت ۲۴ ساعت در محلول سرد زاج سفید خیس می‌کنند. عشایر با آمیختن روناس (*Rubina Tinctorium*) رنگهای گوناگون سرخ به‌دست می‌آورند. روناس که در هزاره سوم پیش از میلاد در دره سند کشف شد گیاهی است پایا با بلندی یک متر که طول ریشه آن حدود دو متر است و به‌طور خودرو در ایران می‌روید. زنان ایل به‌هنگام کوچ این گیاه را از دشتهای سرسبز بیلاق و قشلاق گردآوری می‌کنند.

رنگ زرد را از گل رنگ *Cor Thamus Tinc Torius* به‌دست می‌آورند. گل رنگ گیاهی یک ساله است به بلندی یک متر. عشایر گل برگها و گلچه‌های آن را گرد می‌آورند و خشک می‌کنند. از پوست انار برای تولید رنگ زرد نیز استفاده می‌کنند. تولید رنگ قهوه‌ای به‌دلیل قهوه‌ای بودن پشم بسیاری از گوسفندان ضرورت پیدا نمی‌کند ولی اگر لازم باشد از برگ حنا یا پوست گردو استفاده می‌کنند.



زنان عشایر به تدریج رغبت کمتری به درست کردن رنگهای طبیعی نشان می‌دهند. خرید پشم رنگ شده از بازار روبه فزونی است به هر حال، رنگهای طبیعی نباید از گردونه تولید پشم و دستبافتها خارج شود.^{۱۵}

عوارضی که در کیفیت بافت ورنی تأثیرگذارند:

- ۱- نصب نکردن صحیح و دقیق دار؛
- ۲- استفاده از چوبهای نامناسب و گاه مرطوب در راه اندازی دار؛
- ۳- پخش نکردن متناسب چله بر روی سر دار؛
- ۴- کشیدن بیش از حد و کاذب پود؛
- ۵- رعایت نکردن اندازه‌ها در هنگام پایین کشی ورنی؛
- ۶- شانه‌دار شدن ورنی؛
- ۷- حذف یک یا چند ردیف از نقشه ورنی؛
- ۸- پیچیدگی کناره‌های ورنی؛
- ۹- جمع شدگی و کیسی ورنی؛
- ۱۰- رگه‌دار شدن و دو رنگی ورنی.

برای تولید و بافت اثری بی‌عیب باید از وقوع عوارض مذکور جلوگیری کرد. برای این کار، لازم است از ابتدا دار به صورت دقیق کار گذاشته شود، از چوبهای مرطوب استفاده نشود، بلکه حتی الامکان از دار فلزی استفاده گردد. چله کشی، دقیق و استوار انجام شود. هنگام بافت باید مواظب تاب زیاد پود بود و همچنین از افزایی یا کاهش رجهای ورنی جلوگیری کرد. ضخامت نخهای پود در طول بافت و همچنین ضخامت خامه نیز نباید تغییر کند. مدور نبودن زیر دار موجب کیسی ورنی می‌شود. در ضمن، رنگرزی صحیح و علمی خامه‌ها در بافت و رنگ آمیزی یکنواخت تأثیر می‌گذارد.

گفته می‌شود در روستاها و مناطق عشایرنشین ارسباران در خانه‌ها بیش از هشتاد درصد مردم دار ورنی برپاست. در قشلاقهای دشت مغان کمتر اوبه‌ای است که دار ورنی نداشته نباشد. ورنی از مدت‌ها پیش جزء لاینفک زندگی و کار و معیشت مردم آن دیار شده است.



پیران قوم می‌گویند ورنی‌بافی ابتدا در قره‌باغ آذربایجان رایج بوده است، به لحاظ نزدیکی به دشت مغان و روابط و علقه همسایگی و تردهای مرسوم در دو کناره ارس از یک صد سال پیش در کناره‌های ارس و دشت مغان و منطقه ارسباران نیز متداول شد. بافندگان ورنی در این سوی ارس چنان مهارتی در تولید و عرضه آن به کار گرفتند که دیری نگذشت این دستبافت ظریف از محوطه آلاچیق^{۱۶} عشایر برای تأمین نیازهای خود آن را می‌بافتند. پس از انقلاب اسلامی، به لحاظ اینکه به عشایر توجه شده و دولت در قالب طرحهای عمرانی نسبت به بازسازی زندگی و معیشت عشایر اقدام کرده است به ورنی، که محصول تلاش زنان و دختران عشایر بود، توجه شد. سازمان صنایع دستی از سال ۱۳۶۱ به منظور حمایت و احیای این هنر ظریف و اصیل به تهیه و توزیع مواد اولیه مرغوب در بین بافندگان ورنی اقدام نمود. این کار تحولی در عرضه ورنی ایجاد کرد. به موازات مساعدت به ورنی‌بافان و توزیع مواد اولیه مرغوب در بین بافندگان، بافت ورنی توسعه یافت. به منظور مشارکت ورنی‌بافان و توزیع عادلانه امکانات در تولید و عرضه محصولات از سال ۱۳۶۶ در سه منطقه عشایری سه شرکت تعاونی ورنی‌بافان به وجود آمد.

۱- منطقه دیل بیلمز (Dilbilmaz)؛

۲- منطقه گوزلی (Gozali)؛

۳- منطقه بران (Borran)؛

شرکتهای تعاونی علاوه بر توزیع مواد اولیه و مساعدتهای مالی، نسبت به خرید در محل و عرضه محصولات به بازار فعالیت کردند. ولی امروز عرضه این محصول کم‌نظیر با مشکل روبه‌روست.

گفته می‌شود بازرگانان ترک این محصول کم‌نظیر را به سایر نقاط جهان عرضه می‌کردند. متأسفانه بازرگانان ترک، علاقه‌مند بودند که ورنی را به صورت قاچاق بخرند نه از راههای قانونی. آنها با قیمت ارزان (حدود هشتاد هزار تومان) محصولات تولیدی ورنی‌بافان را می‌خریدند، می‌شستند و آفتاب‌گیری می‌کردند و به‌عنوان گلیم ترک به قیمت بیش از پانصد دلار در بازارهای جهانی عرضه می‌کردند. در عوض، به دلیل خرید به شیوه قاچاق از ایران، از پرداخت طلب



ورنی‌بافان یا بازرگانان ایرانی خودداری می‌کردند و اینک اغلب بازرگانان به دلیل ناتوانی در اخذ طلبهایشان از بازرگانان ترک، ورشکسته شده و کار خرید و عرضه ورنی را رها کرده‌اند.^{۱۷} گفته می‌شود زمانی قاچاق ورنی رایج شد که دولت با صادرات ورنی مخالفت می‌کرد و در برابر اخذ پیمان ارزی، بازرگانان علاقه‌مند شدند ورنی را به صورت قاچاق به بازرگانان ترک بفروشند.

در شرایط کنونی که پیمان ارزی برداشته و صادرات آزاد شده است، بازرگانان ایران به دلیل وصول نکردن مطالبات هنگفت خود از بازرگانان ترک، به خرید و صدور ورنی قادر نیستند و ملاحظه می‌شود که ورنی زیادی در دست بافندگان مانده است یا به قیمت‌های بسیار پایین فروخته می‌شود که عموماً برای بافنده صرف نمی‌کند و این چنین است که ورنی با رکود بازار مواجه شده است. این وضع در شرایطی پیش آمده است که دولت دیگر هیچ نقشی در تولید و عرضه ورنی برعهده ندارد و سازمان صنایع دستی در تولید و عرضه مداخله نمی‌کند و درصدد است صرفاً در بهبود کیفیت و آموزش اصولی ورنی‌بافی فعالیت نماید.

به هر حال، تغییر سیاست‌های دولت در قبال ورنی‌بافی و تولید ورنی در توسعه برنامه‌ریزی شده و رو به تکامل این صنعت و هنر، تأثیر منفی داشته است و امروز وقتی از کارشناسان ذی‌ربط و مدیران مربوط سؤال می‌شود چه برنامه‌هایی برای احیا و رشد این صنعت و هنر دارند؟ اظهار می‌دارند در مرحله گذار به سیاست کمک به بهبود کیفیت هستیم و در تولید و عرضه مداخله مستقیم نداریم. روی این اصل، ورنی‌بافان با رکود اقتصادی مواجه‌اند. ورنی‌های تولید شده به جز مقدار اندکی که به تهران ارسال و در اختیار بازرگانان تهرانی قرار می‌گیرد بقیه در دست تولیدکنندگان مانده است بسیاری از بازرگانان ورنی از خرید و فروش آن دست کشیده‌اند.^{۱۸}

به یقین این وضعیت به سود اقتصاد کشور و به نفع بخشی از مردم، که از این راه معاش می‌کنند، نیست. باید برنامه‌ریزی دقیق‌تر و اصولی‌تر و تدابیر موثرتری به کار گرفت. اگر واقعاً اعتقاد بر این است که باید از اقتصاد تک محصولی نفت دست شست و از امکانات و پتانسیل‌های کشور سود جست نباید گذاشت در بخشهایی مثل ورنی‌بافی که

۱- مواد اولیه را خود بار می‌آورند؛



- ۲- خود محصول را تولید می‌کنند؛
- ۳- فعالیت در این بخش به فعالیتهایشان در بخش دامداری و ارائه تولید گوشت و فرآورده‌های لبنی کشور موثر است؛
- ۴- تولید آنها دارای ارزش افزوده است؛
- ۵- از بیکاری و مهاجرت جلوگیری می‌شود؛
- ۶- باری بر دوش دولت و منابع مالی دولت ندارند که رکود عارض گردد.
با توجه به وضعیت حاکم بر تولید و بازار ورنی پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه می‌شود:
- ۱- دولت از طرق مختلف نسبت به احقاق حقوق بازرگانان ورنی از خریداران ترک اقدام نماید.
- ۲- شرکتهای تعاونی ورنی بافان تقویت و از این طریق به بافندگان مساعدتهای لازم به عمل آید.
- ۳- آموزش فنی مراحل تولید در منطقه‌های عشایری ترویج شود.
- ۴- نظارت کیفی کارشناسان سازمان صنایع دستی در مراحل مختلف تولید انجام گردد.
- ۵- دولت در تنظیم بازار تولید و نحوه عرضه به بازارهای جهانی نظارت کند.
- ۶- آموزشگاههای ورنی بافی جهت اشتغال‌زایی و گسترش این دستبافت هنری توسعه یابد.^{۱۹}

نتیجه

حدود بیش از یک قرن پیش در آن سوی ارس، دقیقاً در منطقه قره‌باغ دستبافتی به نام ورنی در منطقه عشایرنشین دشت مغان ترویج شد. بافندگان جدید در این سوی ارس، این هنر را از نظر نوع بافت و نقشه به سوی کمال سوق می‌دهند. آنها ابتدا به رفع نیازهای خود می‌اندیشیدند ولی از چند دهه پیش این محصول ذوق و اندیشه، راه به بازارهای داخلی و خارجی می‌گشاید. ورنی نه فرش است نه گلیم. بلکه ترکیبی است از هر دو. نقشه‌های آن حاصل زندگی و ارتباط ذهنی بافنده با طبیعت اطراف و اتفاقات حوزه زندگی خود است. رنگهای به‌کار رفته با نقشه‌های ابتکاری، محصولی بدیع به وجود می‌آورد که چشم هر بیننده را به خود جلب می‌کند. بافندگان این ورنیها دست‌کم نظیر آن را به جلوه‌ای از فرهنگ و زندگی عشایر کوچ‌نشین در آورده‌اند.



بافت و عرضه ورنی در دو دهه گذشته دستخوش تغییر و تحول شده است. اوایل انقلاب بافت و عرضه آن به انحاء مختلف مورد حمایت دولت قرار گرفت. تعاونیهای متعدد تشکیل یافت. تعاونیها، مواد اولیه و وام در اختیار می‌گذاشتند. کارشناسان در جهت تولید مرغوب بافندگان را راهنمایی می‌کردند. در این مقطع، صادرات آن رونق یافت. رونق صادرات از طریق قاچاق بود. بازرگانان ترک به‌وفور، آن را از بازرگانان محلی می‌خریدند. آنان ورنی را به‌عنوان دستبافت ترک در بازارهای جهانی عرضه می‌کردند. از دیگر سو، به‌دلیل دادوستد غیرقانونی و قاچاق، از پرداخت دیون خود به فروشندگان محلی خودداری کردند. این کار باعث عرضه محدود و کم‌رونق بافت ورنی در منطقه عشایری گشت. از طرف دیگر، دولت سیاست حمایتی خود را کاهش داد و اینک تولید و عرضه ورنی با مشکل روبه‌روست.

ورنی این شاهکار هنری و صنعتی باید مجدداً احیا شود و روستاییان و عشایر استان آذربایجان شرقی با انگیزه بیشتر آن را بیافند و عرضه کنند. این کار با سیاستهای رشد اقتصادی و گذر از اقتصاد تک محصولی و حمایت از تولیدات اشتغال‌زا و جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه روستاییان و عشایر کوچ‌نشین همخوان است. ورنی باید به‌عنوان جلوه‌ای تابناک از فرهنگ و تمدن این منطقه از میهن اسلامی در تارک هنر ایران زمین بدرخشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. حسن بیگی، م.، فصلنامه عشایر ذخایر انقلاب (۱)، کلیاتی پیرامون صنایع بر روستایی و عشایری، سازمان امور عشایر ایران، ص ۷۹.
۲. Hana: دستگاهی که در آن ورنی بافته می‌شود.

3. Varni.

۴. عبداللهی فرد، ابوالفضل، بررسی رنگ و فرم در هنرهای آذربایجان، ۱۳۷۵، ص ۱۶.
۵. سنه‌ای، سوران، بررسی هنرهای دستی سنتی آذربایجان شرقی، ۱۳۷۲، ص ۱۸.
۶. افشار سیستانی، ایرج، نگاهی به آذربایجان شرقی، جلد دوم، نشر کد ۶۹، ۱۳۶۹، ص ۶۴.
۷. تیموری، علی‌اکبر، ورنی، شاهکار هنری ارسباران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آذربایجان شرقی، ۱۳۸۱، ص ۳.
۸. هاف چوبی است که طول آن به اندازه عرض ورنی و عرض آن ۲ سانتی‌متر است. وظیفه آن جداسازی تارهای چله برای گره زدن است.
۹. تیموری، علی‌اکبر، همان، ص ۱۳، ۱۶ و ۲۳.

10. Asma.



۱۱. تیموری، علی اکبر، همان.
۱۲. پورکریم، هوشنگ، مجله مردم‌شناسی و فرهنگ عامه ایران، شماره ۱، وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۳، ص ۲۲.
۱۳. مصاحبه با کارشناسان سازمان صنایع دستی استان آذربایجان شرقی.
۱۴. صحبت با بافندگان و بازرگانان ورنی (پاساژ آسیا تبریز).
۱۵. کلکی، بیژن و عطاالله رهبر، مجموعه مقالات مردم‌شناسی (۳)، نقش و نگارها و رنگ‌بافته‌های ایل قشقایی، مرکز مردم‌شناسی، ص ۳۲.
۱۶. آلاچیق چادر عشایر کوچ‌رو ارسباران است که از چوبهای مخصوص نم‌درست می‌شود.
۱۷. مصاحبه با کارشناس مسئول سازمان صنایع دستی استان آذربایجان شرقی، اسفند ۸۱.
۱۸. همان.
۱۹. علیزاده پروین، حسن، کتاب آماده چاپ، مقدمه‌ای بر شناخت عشایر کوچ‌نشین آذربایجان شرقی.